



جهانگیر و یک شاهزاده در حال ننگه داشتن بازهای سفید - نمونه‌ای از کار تلفیقی مربوط به سال ۱۶۴۰ م که تصویر شاهزاده بعداً به کار اضافه شده است - اندازه ۲۰x۱۵/۵ سانتی‌متر (بدون حاشیه) - گواش بر روی کاغذ.

با نسخه‌های قدیمی مغولی که کپی دیگری از آنها لازم نبود غنی شده بود. تغییر دید و گرایش در زمان به سلطنت رسیدن جهانگیر در سال ۱۶۰۵ م از متون خطی به نمونه‌های خطی و از توالی تصاویر که اغلب متعدد بودند به صفحات مجزا و نامتصل وی را مجبور ساخت تا از تعداد افراد مشغول در کارگاه اکبر بکاهد.

بسیاری از نقاشانی که وی بر کنار کرد یا جذب مراکز محلی شدند یا به کتابخانه‌های صاحب‌منصبان وی نظیر عبدالرحیم رفتند نه تنها به نقاشی علاقمند بودند بلکه در این زمینه محقق پرکاری نیز محسوب می‌شدند.

اعضاء کارگاه اختصاصی عبدالرحیم احتمالاً در مراحل مختلف حرفه‌اش همراه او بودند و زمانی که او به حکومت «گجرات» یا «دکن» گماشته شد به دلیل علاقه وافر به تحقیق نسبت به تصویرگری، در نسخه‌هایی که به او سفارش داده می‌شد از کارها و آثارش کمتر بحث شده است.

کارگاه سلطنتی کاملاً وابسته به دربار بود و تعویض حکمرانان، تغییراتی عمده را در کارکنان آن سبب می‌شد، برای مثال در زمان شاه جهان یکی از نقاشان مورد توجه جهانگیر یعنی مانوهر به نزد پسر وی داراشکوه رفت و پیشن داس که تقریباً به همان اندازه مورد توجه بود، به نزد ظفرخان فرستاده شد.

نقاشی‌های مهمی نیز از هنرمندانی که کارگاه سلطنتی را جهت کار برای مشتریان تجاری که از درباریان هندو نیز بودند ترک کردند موجود می‌باشد. این

نوآوری در نقاشی بعد از دوره شاه جهان بیشتر در کارهای غیرحرفه‌ای مغولی دیده می‌شود که اغلب نمونه‌های کوچک و ساده شده‌ای از نمونه‌های سلطنتی برای گروه‌های مذهبی، قومی و اجتماعی بودند که با محیط هندویی اطرافشان در ارتباط نزدیک‌تری بودند. حتی در زمان اکبر نقاشی خوب، به هیچ‌وجه یک مکتب انحصاری نبود. در کنار نسخه‌های کوچک‌تر و کم‌اهمیت‌تر، که به دستور اکبر برای بخشیدن به درباریان انجام می‌شد آثاری بی‌نظیر توسط کارکنان وی مانند عبدالرحیم خان خانان انجام می‌شد که خود دارای سبک خاصی بودند.

یکی از اولین سفارشات وی «رامایانا»<sup>۱</sup> (۹۸ - ۱۵۸۹ م) که اکنون در گالری «فریر»<sup>۲</sup> در واشنگتن موجود است و هنرمندانی چون «مشفق» و «قاسم» که تا حدود دو دهه بعد نیز برای وی کار می‌کردند (در شاهنامه و یک گلچین ادبی از داستان‌های عشقی توسط امیر خسرو دهلوی) در آن شرکت داشتند.

جالب توجه است که مشفق و قاسم هیچ‌کدام برای اکبر یا جهانگیر کار نکرده‌اند. همچنین تغییرات چشمگیری در نقاشانی که توسط امپراطوران مغول به کار گرفته شده بودند به وجود آمد. تشویق و حمایت زیاد جهانگیر بر روی صفحات آلبوم که بیش از خود متون مصور خوش‌آیند و چشم‌نواز بود به نوعی طعنه‌آمیز در جهت انتقال این مطلب بود که اکبر فردی بی‌سواد بوده است، اما ممکن است که وی متوجه این امر بوده باشد که کتابخانه سلطنتی

# نگارگری در دوره شاه جهان

## اورنگ زیب

جمیله هاشم زاده

مطلب حاضر بخش هفتم از کتاب نگارگری مغول تحت عنوان «نگارگری در دوره شاه جهان و اورنگ زیب» اثر جی. ام. راجرز است. ترجمه این کتاب به زودی توسط نگارنده به چاپ خواهد رسید.

با به سلطنت رسیدن شاه جهان<sup>۱</sup> در سال ۱۶۲۸ م. روند پیشرفت مغولی‌ها کند شد. لشکرکشی به آسیای مرکزی در سال ۱۶۴۷ م. نیز احتمالاً به خاطر حسرت گذشته‌ی نیاکان مغولی شاه جهان و ناشی از ترس تهاجم صفویان از ایران با هدف تأسیس یک سلسله‌ی ازبک - مغول و اتحاد دهلی و بخارا بود که در هر حال شکست بسیار ناهنجاری را به همراه داشت.

پاسخ مدبرانه‌ی حاکم در جهت مهار هزینه‌های مالی رو به رشد می‌توانست به نوعی در جهت محدود کردن کارگاه‌های سلطنتی باشد، هرچند که خساست، به ندرت با سبک زندگی مغولی سازگاری داشت اما این امر تقریباً آن چیزی بود که پیش آمد.

تنها سفارش خطی بزرگ شاه جهان وقایع‌نامه‌ای بود که به شرح و تفصیل سلطنت وی، تحت عنوان «پادشاه‌نامه»<sup>۲</sup> می‌پرداخت و اکنون در کتابخانه‌ی سلطنتی «ویندسور»<sup>۳</sup> به تاریخ ۱۰۶۷ هجری / ۱۶۵۶-۷ م. موجود است. این نسخه باشکوه و بسیاری از نقاشی‌های دیگر دهه اول سلطنت وی، به شکلی هماهنگ مصور نشده و ممکن است به این دلیل باشد که نوشتن وقایع مدت بیست سال یا بیشتر به طول می‌انجامیده و در نتیجه مصورسازی آن به طور هم‌زمان با متن اجرا می‌شده است. در خلال همین سال‌ها بود که شاه جهان با مشکلات ناشی از کمبودهای مالی مواجه شد.

شاه جهان و خاندانش ولخرجی‌های زیادی برای ساختن عمارت‌هایی در سراسر قلمرو مغول‌ها انجام دادند، برای مثال او نه‌تنها تاج‌محل را در حدود ۱۶۳۲-۴۷ م. ساخت بلکه قصرهای جدیدی نیز در داخل قلعه‌های لاهور و آگرا بنا کرد. مسجد بزرگ آگرا و یک کاخ مرکزی کاملاً جدید در دهلی که پایتخت او بود و «شاه جهان‌آباد» که در محرم سال ۱۰۴۸ هجری مطابق با ماه مه ۱۶۳۹ م. با یکی از بزرگ‌ترین مساجد در کل جهان اسلام و کاخ او یعنی قلعه سرخ ساخته شد.

تلاش‌های بی‌نتیجه شاه جهان برای پیروی از امپراطوران قدیم مغول در اهداف بلندپروازانه‌ای نظیر مالکیت پادشاه‌نامه، مبین این نکته است که هنر در نزد او با جلال و شوکتی که به وی به عنوان شاه می‌داده توجیه می‌شده است. در آلبوم‌های سلطنتی که برای جهانگیر در اواخر سلطنتش گردآوری می‌شد، وحدت در سبک، توسط نقاشان او می‌تواند عامل مفیدتری برای طبقه‌بندی آثارشان به نسبت موضوع آنها باشد. همان‌گونه که در اینجا برای تصاویر این کار انجام شد.

کارگاه شاه جهان به میزان قابل ملاحظه‌ای وارث چنین سبکی بود. چرا که تغییرات رخ داده در کارکنانش در دهه‌ی سی قرن هفدهم تدریجی بوده است. در واقع شبیه به سنگ مرمر سفید که اغلب با «پیترا ردورا»<sup>۴</sup> مرصع می‌شد وی نیز با ساختمان عظیمش یعنی تاج‌محل در آگرا که ساختمانی خنک، درخشان و متناسب بود، موردتوجه واقع شد.

هرچند آلبوم‌هایی که برای شاه جهان اجرا شدند به خاطر حاشیه‌ی

گلدارشان معروفاند (درحقیقت پیچ و تاب دل‌انگیز آن‌ها مطابق با اصول گیاه‌شناسی است) و موضوعات آنها دارای گستره‌ی محدودتری هستند، چهره‌نگاری‌های کاملاً فردی و رسمی بیشتر توجه دیگران را به خود جلب می‌کردند. گاهی اوقات حتی سرهای جدید به بدن‌های قبلی افزوده می‌شد؛ که می‌توانست موجب تشابه گمراه‌کننده‌ی یک خاندان شود؛ برای مثال کسی که تحت عنوان سفیر کبیر شاه صفی «محمدعلی بیگ» معرفی می‌شود و توسط «هاشم»، در سال (۱۶۳۱ م) نقاشی شده (موجود در موزه‌ی ویکتوریا و آلبرت - نمونه شماره ۲۵-۱۹۲۵ م)<sup>۵</sup> شبیه به چهره‌ی یکی دیگر از درباریان صفوی موجود در موزه‌ی بریتانیاست. از نقاشی‌هایی که برای مناسبت‌های دولتی کشیده شده است نظیر به سلطنت رسیدن شاه جهان در سال ۱۶۲۸ م، روشن است که نقاشان او از هر نوع فرصتی برای شرح و رسم فیگورها به تعداد زیاد استفاده کرده‌اند.

تعیین هویتی نیز که به فیگورها در مراحل طراحی مقدماتی افزوده شد صرفاً به خاطر نقاشان نبود زیرا صفحات تکمیل شده‌ی مناظر سلطنتی، در پادشاه‌نامه نیز حاوی آنهاست. در بسیاری از صفحاتی که برای جهانگیر اجرا شد یا نسخه‌های کپی آنها که برای شاه جهان اضافه شد (برای مثال در آلبوم «کورکیان»<sup>۶</sup> موجود در نیویورک) و افزوده‌ها و روتوش‌هایی که در آنها صورت گرفته بر طبیعی بودن آن آثار تاثیر گذاشته و جلای تصنی این نتیجه را ایجاد کرده است که طبیعت‌گرایی مورد توجه جهانگیر به تدریج به موضوعی ثانوی تبدیل شده است.

به علاوه آنچه به گونه‌ای چشمگیر کمیاب است پیوند عناصر اروپایی، اسلامی و هندو و همچنین کاهش ابعاد سبک‌شناسی، دینی و فرهنگی این مکتب نسبت به زمان سلطنت اکبر و جهانگیر می‌باشد. این موضوع می‌تواند مبین تعهد بیشتر شاه جهان به دین اسلام و کاهش علاقه به عناصر هندو در سلطنت مغول باشد. احتمالاً به همین دلایل نیز او به وضوح بعضی از نقاشان دربارش را به پسر بسیار محبوبش «داراشکوه» که در سال (۱۶۵۸ م) کشته شد بخشید. با وجود این درخشش و فریبایی، حذف سیماهای ناهنجار به طور خودآگاهانه گسترش یافت و گفته می‌شود که این موضوع تا اندازه‌ای برای نشان دادن اوج عظمت سبک مغول بوده است. این قضاوت ممکن است در نظر خواننده عجیب جلوه کند، چرا که بیانگر این مطلب است که نقاشی نظیر «برونزینو»<sup>۷</sup> نیز اوج عظمت رنسانس ایتالیا بود. به علاوه شایان ذکر است که برای منتقدان امروزی التقاط‌گرایی در نقاشی‌های پیشین مغولی نسبت به وانمودگری سبک دلخواه شاه جهان که به نظر می‌رسد به بهای گزافی به انجام رسیده، پذیرفته‌تر است. «میلوکیولندبیچ» در رابطه با حذف واقعی عناصر هندو در زمان اکبر و جهانگیر بیان داشته است که:

«تاریخ نقاشی سلطنتی مغول داستانی از شکوفه‌های سنگینی است که توسط ریشه‌های سطحی نگهداری می‌شوند.»

به راستی جایی برای پیشرفت بیشتر وجود نداشته و نقاشی‌هایی که اورنگ‌زیب سفارش می‌داد بیشتر نشان‌دهنده یک نوع انجماد فکری در شیوه‌ی سبک سلطنتی می‌باشد.



چهره شاه جهان در سن ۳۶ سالگی همراه با مهری با القاب وی و تاریخ اولین سال سلطنت - سال ۱۶۲۸ م اندازه ۱۹x۱۴ سانتی متر - گواش بر روی کاغذ - حواشی گلدار مجلل نمونه‌ای از آلبوم‌های سلطنتی است که شاه جهان سفارش داد

که بسیاری از موزه‌های شهری و موزه‌های ملی اروپا و ایالات متحده مجموعه مهمی از آنها را دارا هستند و قدمت بیشتر آنها به قبل از قرن هفدهم برمی‌گردد.

#### پاورقی‌ها:

- ۱ - شهاب‌الدین محمد صاحب‌قرآن ثانی شاه جهان (۱۶۵۸-۱۶۲۸ م)
- 2- Padshah-Name
- 3- Windsor
- 4- Pietra Dura
- ۶- Bronzino: آنجلو دی کاسیمو دی ماریانو برونزینو: نقاش ایتالیایی (۱۵۰۳-۷۲-م)
- ۷- Ramayana منظومه‌ی مصوری است به زبان سانسکریت حاوی شرح شعرهای را ما در شبه قاره هند و به منزله‌ی شاهنامه یا زبور هندوان است. / مترجم
- 8- Freer Gallery.
- ۹- Ragamalas یک نوع ملودی در موسیقی باستانی هند که ریتمی برگرفته از عقاید مذهبی هندوها در سانسکریت دارد. / مترجم
- ۱۰- Manley Ragamala
- ۱۱- Bundi
- ۱۲- Jagat Singh
- ۱۳- Udaipur
- ۱۴- Warren Hastings
- ۱۵- Clive
- ۱۶- The India Office
- ۱۷- Royal Asiatic Society

نقاشی‌ها اغلب بیانگر این است که آنان علی‌رغم دوری از دربار مغول بر اجرای سبک‌های محلی اصرار داشتند. تأثیرات ایرانی (مخصوصاً در گلکندا در دکن) یا سبک سلطانیه مربوط به شمال هند - و موضوعات محلی شامل منظومه رزمی هندو یا سانسکریت و داستان‌های ماجراجویانه و عشقی و «راگامالاس»<sup>۱</sup> و آلبوم‌هایی که تازه‌های موسیقی هندی را در شکل مصورشان نشان می‌دادند، همه در یک مجموعه جمع شدند. علی‌رغم (علاقه بسیار زیاد مغولان به موسیقی، آنها نظر چندان مساعدی نسبت به راگامالاس نشان ندادند.) برای مثال «منلی راگامالا»<sup>۲</sup> مربوط به سال ۱۶۱۰ م مانند نقاشی‌های قبل از قرن هفدهم در راجستان در «بوندی»<sup>۳</sup> و سپس در «موار» مشخصاً در دوره «جگات سینگ»<sup>۴</sup> حاکم «ادای پور»<sup>۵</sup> (۵۲-۱۶۲۸ م) به وضوح تأثیر مغولی را نشان می‌دهد، هر چند که تأثیر کلی به طور چشمگیری یادآور نقاشی‌های طوطی‌نامه اکبر در سال ۱۵۶۰ م می‌باشد.

پس از مرگ اورنگ زیب بزرگ‌ترین کتابخانه‌های سلطنتی به تدریج توسط جانشینان بی‌کفایت او متلاشی شدند. بسیاری از بهترین نقاشی‌ها به عنوان غنیمت همراه با فاتح افغانستان «نادرشاه» که دهلی را در سال ۱۷۳۹ م غارت کرد به ایران رفتند و هنوز در همانجا هستند. بقیه نیز توسط کارکنان کمپانی هند شرقی (وارن هاستینگز<sup>۶</sup> و کلیو<sup>۷</sup> که هر دو مجموعه‌دار بودند) جمع‌آوری و اکنون زینت‌بخش مجموعه‌های لندن شامل موزه و کتابخانه بریتانیا، موزه ویکتوریا و آلبرت، اداره دفتری هند<sup>۸</sup>، انجمن شرق‌شناسی سلطنتی<sup>۹</sup> و کتابخانه سلطنتی ویندسور می‌باشند و این مسأله لندن را جای مناسبی برای مطالعه بر روی نقاشی مغول ساخته است.

هر چند ممکن است مقایسه تملک مجموعه‌داران بریتانیایی در هند با غارت نادرشاه غیرمنصفانه باشد. کارگاه‌های مغول در خلال سال‌های ۱۵۶۰ - ۱۷۰۰ م آثار بسیار زیادی تولید کردند. کیفیت این آثار به قدری بالا بود